

تذکره نام دسامبر ۱۹۹۷

۲۲

مانی عزیزم با عمر بسیار سلام!

امید و انتظارم این بود که در سفر آلمان ترا ببینم. اما گریه انتظار را چه می‌کنند؟
از این که می‌گذشت سال‌ها تا دیدن تو با من کرده ام، واقعا شادم گفتم و منتظر بودم. پنجشنبه
در پی تو سنجی تو بودم. بگریم خانه به خانه سون، بهاری و بهار داری بودم. بهرم بدید و سال
مریض بود که حالا با من در لندن ایم و حاشا بر نفس خوبی است.

من همواره در جیره ک فاضلت می‌آوردی و بهر وقت که می‌توانست بودم، هر جا اتری
از تو به دستم رسیده با اینها که خوانده ام و خوشگمان می‌باشم. اما چای تو صبح و کاشن بهر
باشی.

آفرین دفتر سوم «ترنم پرواز» را که خوانده بودی همراه این نامه می‌فرستم و در لم
می‌خواند در صورت امکان به منتظران و دوستان دیگر که در کان کردیم در دسته باشی و نظارت
را بر این نویسی. ضد عصبه می‌آزمای چون به شکل ما در سکر و فن بر این ایران و
جمهوری می‌آید که خوشتر است کرد.

(در ادامه)

ماتی جان، گذار ارتباط ادبی و عاطفی ما بگذرد. من دارم دو عملگر
«فروتن خاوش» و «سور و کنگل» را دیدی ای، اینها به شکل یک ردان اند که
با دوری از هم با یکدیگر اکناف تنظیم شده اند.

سلام گرم به رباب عزیزم و فرزندان و به اسد این که بگرداند زندگی
چوان و سکونانی در دسته باشی.

به گرم می‌باشی

رابع